

مطالعه جامعه‌شناختی خشونت زناشویی و تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر آن (مطالعه موردی: زوجین شهر تهران)

دکتر حسین حیدری^۱

تاریخ وصول: ۹۹/۱۲/۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۷/۱۸

چکیده:

خشونت خانگی یکی از عوامل مهم ناپایداری خانواده است و آثار مخربی بر جو عاطفی خانواده، فرزندان و همچنین اجتماع دارد و تداوم الگوها و رفتارهای خشن در خانواده می‌تواند باعث سرایت خشونت به مناسبات اجتماعی گردد. در این بین ظهور شبکه‌های اجتماعی مجازی تأثیر دوگانه‌ای بر این پدیده اجتماعی داشته است. هدف این پژوهش بررسی خشونت زناشویی و تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر آن است. روش پژوهش پیمایش و جامعه آماری شامل افراد متأهل شهر تهران است. حجم نمونه برابر با ۳۴۰ نفر از زوج‌های شهر تهران است که با فرمول کوکران محاسبه شده است. روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است و نمونه‌های هر خوشه به صورت تصادفی سیستماتیک انتخاب شده است. یافته‌ها نشان می‌دهد ۹۳.۵ درصد از زوج‌های تهرانی در یکسال گذشته سطوحی از خشونت زناشویی را تجربه کرده‌اند. اگر چه شدت خشونت تجربه شده در بین زنان بیشتر از مردان و در بین زوج‌های میانسال بیشتر از جوانان و بزرگسالان است ولی از نظر آماری تفاوت معناداری بین خشونت تجربه شده مردان و زنان ($p=0/28$) و گروه‌های سنی مختلف ($p=0/974$) وجود ندارد. بر اساس یافته‌های تحقیق بین خشونت زناشویی با مدت استفاده ($r=0/145$)، حضور با هویت واقعی ($r=0/219$) و میزان وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی ($r=0/128$) رابطه معنادار وجود دارد. تحلیل رگرسیون نشان داد که بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی ۶.۸ درصد از تغییرات خشونت بین زوجین را تبیین می‌کند. از بین ابعاد مختلف شبکه‌های اجتماعی مجازی متغیرهای مدت استفاده ($\beta=-0/171$) و حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی ($\beta=-0/189$) تأثیر منفی بر خشونت زناشویی دارند و باعث کاهش خشونت زناشویی می‌شوند.

مفاهیم کلیدی: خشونت زناشویی، جنسیت، شبکه‌های اجتماعی مجازی

^۱ استادیار جامعه‌شناسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی، تهران، ایران
hs.heidari@gmail.com

مقدمه و بیان مسأله

خانواده، نخستین و پایدارترین نهاد اجتماعی است که هویت انسانی و جامعه‌پذیری فرد در آن شکل می‌گیرد و نقش مهمی در انتقال و پذیرش ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی، انتقال الگوها و تنظیم روابط و تعامل با سایر نهادهای اجتماعی دارد. همچنین پویایی و پایداری خانواده نقش مهمی در توسعه اجتماعی جوامع دارد. چرا که بر اساس تعاریف سازمان ملل، توسعه اجتماعی فرایندی از تغییرات است که منجر به بهبود در «به زیستن»، و «روابط اجتماعی» می‌شود (UNRISD, 2016). هنگامی که روابط بین اعضای خانواده از جمله روابط بین زن و شوهر به‌عنوان هسته مرکزی خانواده پویا و سازنده باشد می‌تواند در بهبود و ارتقاء توسعه اجتماعی نقش موثری داشته باشد. در مقابل «خشونت خانگی»^۱ و «خشونت زناشویی»^۲ می‌تواند تأثیر مخربی بر پویایی و پایداری خانواده داشته باشد و جو عاطفی خانواده یعنی زوجین و فرزندان را مختل نماید. فراتر از خانواده تداوم الگوها و رفتارهای خشن در خانواده می‌تواند باعث سرایت خشونت به مناسبات اجتماعی گردد. در گذشته خشونت در خانواده امری استثنایی قلمداد می‌شد و آن را خاص خانواده‌هایی می‌دانستند که دارای مشکلات مادی، سطحی پایین و فرهنگ و شرایط بحرانی نظیر طلاق بودند اما شواهد حاکی از آن است که خشونت زناشویی مسأله و مشکلی جهانی است و در جوامع، فرهنگ‌ها، طبقات، قومیت‌ها و سنین مختلف وجود دارد (Tenkorang & et. al., 2013: 271) و اختصاص به یک منطقه خاص جغرافیایی و یا سطح معینی از اقتصاد و رفاه ندارد و در همه جوامع و تمامی لایه‌های اجتماعی قابل ردیابی است؛ نتایج تحقیقات نشان داد که برخلاف تصورات رایج تنها خانواده‌های مسئله‌دار به خشونت متوسل نمی‌شوند، بلکه خانواده‌هایی که به ظاهر معمولی یا مطلوب هستند هم با اعضای خود بدرفتارند (Ezazi, 2001: 8).

علاوه بر این خشونت خانگی تأثیر سوء بر فرزندان در آینده دارد. براساس گزارش «انجمن روان‌شناسی آمریکا»^۳ بچه‌هایی که مادران آنها از طرف پدر آزار فیزیکی شده‌اند،

¹ domestic violence

² marital violence

³ American Psychological Association (APA)

در معرض خطر بیشتری برای انتقال رفتارهای خشونت‌آمیز به نسل بعدی قرار دارند (APA, 1996: 527). شوهرانی که اقدام به کتک زدن زنان خود می‌کنند، در خانواده پدری شاهد کتک خوردن مادران از پدران‌شان بوده‌اند (Roy, 1998: 214). همسرآزاری در طول نسل منتقل می‌شود و نسل حاضر و نسل بعد را تهدید می‌کند (Nazparvar, 1997: 69). سابقه زد و خورد در والدین، بیشتر از مسائل محیطی در مسئله خشونت‌های آتی مؤثر است (Kalami, 1997: 75).

خشونت علیه همسر در ایران از ۴۷ تا ۸۱ درصد گزارش شده است (Ezazi, 2001) با توجه به روند رشد خشونت در خانواده و تسری آن به تمام جنبه‌های زندگی اجتماعی، بررسی این پدیده و علل آن به نظر اجتناب‌ناپذیر می‌رسد. تأثیر خشونت، تنها به فرد قربانی محدود نمی‌شود و بر افراد دیگر، سازمان‌ها، نهادها و در نهایت کل جامعه تأثیر می‌گذارد. تأثیر اعمال خشونت‌آمیز بر یک فرد به‌طور «شعاعی» در جامعه پخش می‌شود و افراد دیگر را نیز در بر می‌گیرد و پدیده‌ای با نام «گردش خشونت» به وجود می‌آورد که خشونت را در جامعه، همیشگی می‌کند. ویژگی بسیار مهمی که در اثر اعمال خشونت به چشم می‌خورد پدیده جاودانی‌شدن خشونت است (Navvabinezhad, 2015). اگر چه زنان قربانیان اصلی خشونت‌های خانگی و زناشویی هستند ولی باید توجه داشت که قربانیان خشونت زناشویی تنها زنان نیستند بلکه مردها نیز در بسیاری از موارد قربانی خشونت زناشویی هستند. بسیاری از خشونت‌های زناشویی علیه مردان در بسیاری از جوامع گزارش نمی‌شوند. به گفته دریژبر و همکارانش^۱ (۲۰۱۳)، حتی پلیس نیز چندان رغبتی به ثبت خشونت‌های علیه مردان تمایل ندارد. این مبحث که خشونت در دو جنس به صورت یکسانی اتفاق می‌افتد، اولین بار به سال ۱۹۷۵ برمی‌گردد که دو هزار خانواده را مورد بررسی قرار گرفتند و مشخص شد که ۱۱.۶ درصد از مردان و ۱۲.۱ درصد از زنان، نسبت به شریک خود با خشونت رفتار می‌کنند (Williams & et. al, 2011).

مطالعات استراس و همکاران (۱۹۹۹)، در کانادا نشان داد که نسبت‌های مشابهی از خشونت در بین زوجین وجود دارد (Ghazizadeh & et. al, 2018: 36). سازمان

^۱ Drijber & et. al.

بهداشت جهانی در سال ۲۰۰۲ گزارش داد که ۱۴ درصد از علت مرگ مردان ۱۵ تا ۴۴ سال و ۷ درصد مرگ زنان در این سنین، به خاطر خشونت خانگی بوده است (*Krug & et. al, 2002*). در زمینه خشونت زناشویی زنان علیه مردان در داخل کشور، آمار دقیقی وجود ندارد ولی مطالعات کیفی انجام شده در سال‌های اخیر در ایران (*Majidi, 2013; Rezaii Charati 2014, ; Ghazizadeh & et. al, 2018; Khodadost, 2019*) نشان می‌دهد که خشونت در انواع مختلف از کلامی گرفته تا فیزیکی علیه مردان وجود دارد. بر این اساس در این پژوهش تلاش شده است به این پرسش پاسخ داده شود که اولاً میزان شیوع خشونت زناشویی تجربه شده در بین زنان و مردان و گروه‌های مختلف سنی چقدر است؟ ثانیاً چه تفاوتی در سطح خشونت تجربه شده از سوی دو جنس وجود دارد. ثالثاً با توجه به شیوع و نفوذ بالای شبکه‌های اجتماعی مجازی در جامعه، بهره‌مندی از این شبکه‌ها چه تأثیری بر خشونت زناشویی دارد.

پیشینه تجربی پژوهش

بیشتر تحقیقات انجام شده درباره خشونت خانگی، به خشونت علیه زنان و عوامل مؤثر بر آن اختصاص دارد. با این حال در سال‌های اخیر خشونت علیه مردان نیز مورد توجه پژوهشگران این حوزه قرار گرفته و پژوهش‌های متعددی در این باره منتشر شده است. در جدول زیر نتایج برخی از پژوهش‌های خشونت خانگی ارائه شده است.

جدول ۱: مطالعات پیشین

نتایج	نوع پژوهش	نام پژوهش	محققین
بیشترین نوع خشونت تجربه شده توسط مردان خشونت روانی - کلامی است. استراتژی‌های مردان در مقابله با خشونت‌های همسر، عمدتاً از نوع منفعلانه بوده و به دلیل فرهنگ مردسالارانه حاکم بر جامعه از مراجعه به مراکز قانونی و حمایتی خودداری می‌کنند	کیفی - پدیدارشناسی	تجربه مردان خشونت دیده از همسر و چگونگی مقابله با آن	خدادوست (۱۳۹۸)
خشونت خانگی زنان علیه مردان، دارای ابعاد اصلی فردی، زوجی، خانوادگی و فراخانوادگی می‌باشد. عوامل زمینه ساز خشونت علیه مردان، عوامل فردی بوده که در آن مواردی همچون مسائل فیزیولوژیک و بیولوژیک، اعتیاد، اختلالات شخصیتی و ویژگی‌های شخصیتی و همچنین، عوامل خانوادگی مانند تمایز نیافتگی، ساختار خانواده، ساخت قدرت در خانواده و تجربیات نامناسب خانوادگی نقش دارند. عوامل اقتصادی، شغلی و سازمانی، اجتماعی و فرهنگی نقش عوامل زمینه‌ساز را بر عهده گرفته و افکار غیر منطقی، تفاوت‌های بین زن و مرد و اسطوره‌های زناشویی نیز نقش عامل مداخله‌گر را دارا هستند	کیفی - گراند تئوری	مدل مفهومی عوامل زمینه‌ساز خشونت زناشویی زنان علیه مردان از دیدگاه مردان	قاضی‌زاده و همکاران (۱۳۹۷)
خشونت فیزیکی مردان علیه زنان بازتاب فشارها و استرس‌های متعددی است که بر آن‌ها وارد می‌شود	کیفی - مصاحبه نیمه ساخت یافته	استرس و خشونت فیزیکی مردان علیه زنان: یک تحقیق کیفی	بنی‌فاطمه و همکاران (۱۳۹۷)
خشونت‌های عاطفی، کلامی و روانی شایع‌ترین نوع خشونت علیه زنان است و متغیرهای نگرش مردسالاری، پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، تجربه و مشاهده خشونت، تحریک روانی شوهر بر خشونت تأثیر دارند و اثر متغیر نگرش مردسالارانه (پدرسالاری) بیشتر از سایر متغیرها است	کمی - پیمایش	تحلیل جامعه شناختی خشونت خانگی علیه زنان و رابطه آن با احساس امنیت	دانش و همکاران (۱۳۹۶)
۹۲ درصد از زنان بندرعباس خشونت خانگی را تجربه کرده‌اند. شایع‌ترین نوع خشونت، خشونت روانی است که ۵۴ درصد ارزیابی شده است. خشونت کلامی با ۳۱ درصد، خشونت فیزیکی با ۲۴.۸ درصد و خشونت	کمی - پیمایش	شیوع خشونت خانگی علیه زنان در بندرعباس	درخشان‌پور و همکاران (۱۳۹۳)

محققین	نام پژوهش	نوع پژوهش	نتایج
			جنسی با ۶۸ درصد در رتبه‌های بعدی قرار دارند
فیروزجاییان و رضایی چراتی (۱۳۹۳)	تحلیل جامعه‌شناختی خشونت خانگی با تأکید بر خشونت علیه مردان	کمی - پیمایش	میزان خشونت تجربه شده ۳۰۱ درصد مردان بالا، ۱۷۰۷ درصد متوسط و ۶۸۸ درصد پایین است. بیشترین خشونت اعمال شده بر مردان خشونت روانی - کلامی و بعد از آن خشونت اقتصادی است و خشونت فیزیکی در مقایسه با ابعاد دیگر خشونت کم‌رنگ‌تر است.
قاسمی و همکاران (۱۳۹۳)	عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان در خانواده	کمی - پیمایش	با توجه به شاخص‌های نظام اجتماعی سنتی، هر قدر روابط نابرابر قدرت، سلطه مردان بر زنان، نظام سلطه پدرسالارانه، برتری طبقه مردان بر زنان، و ستم بر زنان در جامعه بیشتر باشد میزان خشونت علیه زنان در خانواده نیز بیشتر می‌شود و نقش نظام اقتداری در شکل‌گیری و شیوع خشونت بیشتر و پررنگ‌تر می‌شود
مجیدی (۱۳۹۲)	بررسی جامعه‌شناختی پدیده خشونت خانگی علیه مردان	کیفی - گراندد تئوری	خشونت علیه مردان به شرایط مالی، فرهنگی - اجتماعی و ویژگی‌های روان‌شناختی ارتباط دارد. بر اساس نتایج ۱۰۰ درصد مردان در معرض خشونت روحی - کلامی و جنسی، ۸۰ درصد خشونت اقتصادی و ۴۰ درصد خشونت فیزیکی قرار گرفته‌اند
محمدی و میرزایی (۱۳۹۱)	بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر خشونت علیه زنان	کمی - پیمایش	بین تصور اقتدارگرایانه مرد از نقش خود و خشونت علیه زنان رابطه مستقیم و بین کمک و همکاری شوهر در کارهای منزل با خشونت علیه زنان رابطه معکوس وجود دارد. همچنین بین تجربه خشونت زن و مرد در خانواده مبدأ و خشونت رابطه مستقیم و معنی داری وجود دارد
آرش طناب و همکاران ^۱ (۲۰۲۱)	خشونت خانگی در زوج‌های متأهل	توصیفی - مقطعی	نتایج نشان داد که خشونت خانگی علیه مردان (۹۸/۳ درصد) و زنان (۹۸/۵ درصد) شیوع بالایی دارد. زنان در ابعاد روان‌شناختی، جسمی و جنسی و مردان در بعد کلامی خشونت بیشتری را تجربه کرده‌اند

^۱ Areshtanab

نتایج	نوع پژوهش	نام پژوهش	محققین
بین ۳۰.۳ تا ۳۰.۴ درصد از مردان در معرض خشونت فیزیکی خانگی قرار داشته‌اند. بیشتر مردان آسیب‌دیده نسبت به همسر خود خشونت داشتند. ۱۰.۶ الی ۴۰ درصد از آنها گزارش کرده‌اند که در کودکی مورد بدرفتاری قرار گرفته‌اند و افرادی که سابقه سوء مصرف الکل، حسادت، اختلالات روانی، نقص جسمی و ... داشتند بیشتر در معرض خشونت قرار داشته‌اند	تجزیه و تحلیل گذشته‌نگر از اطلاعات افراد آسیب‌دیده	خشونت خانگی علیه مردان - شیوع و عوامل خطر	کلب و همکاران ^۱ (۲۰۲۰)
۲۸/۳ درصد زنان در یکسال گذشته خشونت را تجربه کرده‌اند. بین بی‌سوادی زنان، وضعیت پایین اقتصادی، سابقه خشونت در خانواده و نبود استقلال در تصمیم‌گیری با خشونت رابطه مشاهده شد. در سطح اجتماعی، زنان متعلق به گروه‌های نژادی و کاستی بیشتر از سایرین در معرض خشونت قرار گرفته بودند	کمی - پیمایشی	عوامل مرتبط با خشونت شریک زندگی نزدیک علیه زنان متأهل در نپال	آترایا و همکاران ^۲ (۲۰۱۵)
فقر، فرهنگ پدرسالاری و نقش‌های جنسیتی باعث انفعال زنان شده و آنها را در معرض خشونت قرار می‌دهد	کیفی - گراند تئوری	خشونت خانگی علیه زنان در کوزوو	کلمندی ^۳ (۲۰۱۵)
در برخی موارد مردان بیشتر از زنان در معرض خشونت فیزیکی قرار گرفته‌اند ولی زنان بیشتر از مردان از پیامدهای روانی ناشی از خشونت آسیب دیده‌اند	کمی - گذشته‌نگر	خشونت زناشویی: مقایسه خشونت علیه مردان توسط زنان و زنان توسط مردان	توری او و همکاران ^۴ (۲۰۱۵)
افزایش درآمد زنان و تقویت قدرت اقتصادی آنها باعث کاهش قدرت مردان در خانواده شده و احتمال خشونت بر علیه او بیشتر می‌شود. این امر حتی برای کار نیز صادق است. وی نتیجه گرفته است که با تغییر نقش‌های جنسیتی و روابط بین زوجین، خشونت علیه مردان افزایش خواهد یافت	کیفی - مصاحبه	خشونت خانگی علیه مردان در هند: چشم انداز	کومار ^۵ (۲۰۱۲)

¹ Kolbe

² Atteraya & et. al.

³ Kelmendi

⁴ Thureau & et. al.

⁵ Kumar

جمع‌بندی پژوهش‌های انجام شده حاکی از وجود خشونت خانگی در بسیاری از جوامع و فرهنگ‌های مختلف است. گستره این نوع خشونت می‌تواند از مشاخره و خشونت کلامی گرفته تا خشونت فیزیکی در بر بگیرد. از طرف دیگر افزایش آگاهی زوجین و یادگیری حل مشکلات از طرق غیر خشونت‌آمیز می‌تواند باعث کاهش خشونت زناشویی شود. در این مسیر شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان یکی از منابع مهم اشتراک و انتقال اطلاعات می‌توانند نقش مهمی در تحول خشونت خانگی داشته باشد. شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان یکی از ابزارهای تکنولوژیک می‌تواند نقش دوسویه و متناقض داشته باشد: از یک سو به می‌تواند با انتقال تجارب دیگران به فرد و افزایش دانش و آگاهی در جامعه باعث کاهش خشونت خانگی و از سوی دیگر با فعال کردن شکاف‌های اجتماعی بر میزان خشونت خانگی بیفزاید. عموماً مفهوم خشونت زناشویی بیش از هر چیزی خشونت علیه زنان را به ذهن متبادر می‌کند. تعدد مطالعات انجام شده در این حوزه نیز خواه ناخواه چنین تصویری را تقویت می‌کند. نتایج مطالعات این حوزه نشان می‌دهد که زنان در خانواده از سوی همسر خود در معرض انواع خشونت‌های روانی، کلامی، اقتصادی، جنسی و ... قرار دارند و رایج‌ترین خشونت نیز خشونت روانی و کلامی است. در این بین عواملی چون نگرش مردسالارانه در جامعه، تجربه و مشاهده خشونت در کودکی، نظام اجتماعی سنتی، عدم دسترسی زنان به منابع قدرت (از جمله قدرت اقتصادی)، پایگاه اقتصادی و اجتماعی زنان، تحریک روانی شوهر، فشارها و استرس‌های شغلی همسر، درآمد پایین همسر، نقش‌های جنسیتی و ... از مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر خشونت علیه زنان هستند. اما منظور از خشونت زناشویی صرفاً خشونت شوهران علیه همسران خود نیست بلکه شامل خشونت زنان علیه مردان را نیز شامل می‌شود. موضوعی که در سال‌های اخیر مورد توجه بسیاری از پژوهشگران قرار گرفته است. نتایج پژوهش‌ها که بخشی از آنها در جدول فوق آمده است نشان می‌دهد که میزان خشونت خانگی و زناشویی تجربه شده در مردان نیز قابل ملاحظه است. این خشونت‌ها طیفی از خشونت روانی و کلامی گرفته تا خشونت فیزیکی را شامل می‌شود. نکته مهمی که در این پژوهش بدان اشاره شده است این است که هم در مطالعات خارجی و هم داخلی خشونت علیه مردان در خانواده وجود دارد ولی به دلیل نگرش‌ها و تسلط فرهنگ سنتی مردان تمایل کمتری به گزارش این خشونت‌ها دارند

و یا حتی در صورت گزارش نیز مراجع ذی‌ربط چندان آنها را جدی نمی‌گیرند. بر اساس نتایج این پژوهش‌ها عوامل فردی همچون مسائل فیزیولوژیک و بیولوژیک، اعتیاد، اختلالات شخصیتی و ویژگی‌های شخصیتی، عوامل خانوادگی مانند تمایزنا یافتگی، ساختار خانواده، ساخت قدرت در خانواده و تجربیات نامناسب خانوادگی، عوامل اقتصادی، شغلی و سازمانی، اجتماعی و فرهنگی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر خشونت علیه مردان هستند. نکته مهم دیگری که در مطالعات داخلی قابل مشاهده است این است که روش تحقیق اکثر این مطالعات روش کیفی است و برآوردی از میزان خشونت در دسترس نیست. روش کیفی اگر چه برای شناخت عمیق‌تر مسأله مناسب و مفیدتر است ولی امکان تعمیم داده‌ها، برآورد میزان شیوع این مسأله در جامعه و امکان مقایسه داده‌ها چندان راهگشا نیست. در این پژوهش تلاش شده است علاوه بر اینکه برآورد نسبی از خشونت علیه مردان ارائه شود سعی شده است تأثیر بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر خشونت زناشویی بررسی شود. همچنین در اکثر تحقیقات بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی به مدت استفاده و میزان استفاده تقلیل داده شده است ولی در این پژوهش میزان درگیری فعال بودن فرد در شبکه‌های اجتماعی و حضور با هویت واقعی نیز مورد توجه قرار گرفته است و با توجه به ماهیت متفاوت این ابعاد تأثیر هر یک از این ابعاد به صورت جداگانه بررسی شده است.

چارچوب نظری پژوهش

خشونت خانگی عبارت است از بدرفتاری جسمی، جنسی و روانی، از قبیل منزوی کردن اجباری، تحقیر، محروم ساختن از حمایت، و تهدید به آسیب‌رسانی (Ezazi, 2007). خشونت زناشویی را می‌توان انواع بدرفتاری با همسر از جمله بدرفتاری روانی مانند ارباب و ترساندن، تهدید، تحقیر و انتقاد شدید و تند، و خشونت بدنی مانند سیلی زدن، هل دادن تا استفاده از اسلحه را در بر می‌گیرد. به‌طور کلی دو دیدگاه اصلی در تبیین این پدیده وجود دارد: نظریه‌های روان‌شناختی و نظریه‌های جامعه‌شناسی. نظریات روان‌شناختی به شخصیت و ویژگی‌های شخصیتی توجه دارند؛ بر اساس مکتب روان‌شناسی اجتماعی و نظریه یادگیری اجتماعی، پرخاشگری و خشونت مانند سایر رفتارها و فعالیت‌ها نوعی رفتار اجتماعی آموخته شده است. نظریه یادگیری اجتماعی مبتنی بر این فرض اساسی است که

انسان‌ها رفتارهای‌شان را از طریق مشاهده رفتارهای اجتماعی دیگران و الگو قرار دادن آنچه آنها انجام می‌دهند یاد می‌گیرند (همتی، ۱۳۸۳: ۲۳۲). نظریه‌های جامعه‌شناختی بر جامعه و عوامل اجتماعی توجه بیشتری نشان می‌دهند. در دیدگاه کارکردی، خشونت برای بقای خانواده کارکرد پیدا می‌کند. مرتون معتقد است وقتی افراد برای رسیدن به اهداف ابزارهای مشروع در اختیار نداشته باشند، احساس فشار می‌کنند و در نتیجه ممکن است راه‌های غیر قانونی و نامشروع را برای رسیدن به اهداف خود برگزینند و در واقع به جرم و بزهکاری متوسل شوند (گیدنز، ۱۳۷۶: ۱۴۱). مشکلات اقتصادی، بیکاری، کمبود درآمد؛ معمولاً موجب افزایش فشار و نگرانی در خانواده شده، گاهی اوقات این فشارها منجر به رفتارهای خشونت‌آمیز می‌شود (صادقی، ۱۳۸۹: ۱۱۸). هومنز در بررسی رفتار پرخاشگرانه بر ناکامی افراد به‌عنوان علت بروز این نوع رفتار تأکید دارد. بر اساس نظریه ناکامی پرخاشگری وی، وقتی فرد دچار ناکامی می‌شود، انتظار می‌رود که رفتار پرخاشگرانه از خود نشان بدهد. این رفتار شامل حمله، شکستن، صدمه زدن یا تهدید است (هومنز، ۱۹۵۸: ۵۹۹). کوهن نیز در نظریه خود با عنوان ناکامی منزلتی کجروی را به پایگاه اجتماعی و طبقات منسوب می‌کند و منشأ این رفتارها را دسترسی نداشتن به اهداف مورد قبول جامعه می‌داند. مشکلات اقتصادی، بیکاری و کمبود درآمد معمولاً موجب افزایش فشار و نگرانی در خانواده می‌شود.

در مقابل افزایش آگاهی زوجین و ارتقاء مهارت حل مشکل از طرق غیر خشونت‌آمیز می‌تواند باعث کاهش خشونت زناشویی گردد. به‌طور کلی نظریات موجود درباره فضای مجازی را در سه دسته کلی می‌توان جمع‌بندی کرد: نظریه‌پردازانی که دیدگاهی خوش‌بینانه و رویکرد مثبت به فضای مجازی دارند معتقدند فضای سایبر خصلتی رهایی‌بخش دارد. شری تورکل^۱ از جمله این نظریه‌پردازان است. تورکل (۲۰۱۱)، معتقد است شکل‌گیری خود پست مدرن در بین کاربران فضای مجازی به‌ویژه شرکت‌کنندگان در میدان‌های چند کاربردی به مثابه فضایی مجازی برای گفتگو، بازی نقش و تعامل با سایرین باید به‌طور مداوم و منظم باشد. وی معتقد است فضای مجازی در حال سوق دادن

^۱ Sherry Turkle

ما به فرهنگی پست مدرن بر مبنای تمایز و پراکندگی است، چرا که حضور در فضای مجازی به دلیل ویژگی‌های خاص آن، از جمله امکان گمنامی و حذف نشانه‌های فیزیکی به خود کاربر اجازه می‌دهد که به آسانی نقش‌های متعدد و متفاوتی را در زمان‌های مختلف و با تنظیمات مختلف مورد دلخواه و پسند خود بازی کند (Turkle, 2011). صاحب‌نظران بدبین و منفی، تغییرات هویتی و محاسبه‌ناپذیری آن را از مهم‌ترین پیامدهای فضای مجازی عنوان کرده‌اند. مهم‌ترین مسئله‌ای که این دسته از نظریه‌پردازان به آن پرداخته و آن را به چالش کشیده‌اند، مسئله گمنامی به عنوان امکانی رهایی‌بخش است. کاتز^۱ (۱۹۹۸)، گمنامی را سازه‌ای اجتماعی می‌داند که بر اساس توافق افراد شکل گرفته است. دنیای مجازی شاید محاسبه‌ناپذیرتر از دنیای روزمره باشد اما در مجموع، بر پایه همان قواعد و قراردادهای اجتماعی دنیای واقعی شکل گرفته است. در حقیقت، فضای مجازی نیز از طریق منابع قدرت اقتصادی و سیاسی واقعی کنترل و اداره می‌شود (Mahdizadeh & Anbarin, 2009). مسئله دیگری که این گروه بر آن تأکید دارند ویژگی‌های خاص تعاملات و ارتباطات در دنیای مجازی است. آنان معتقدند تعاملات مجازی در نهایت، منجر به انزوای اجتماعی و کاهش تعاملات کاربر در دنیای واقعی (به‌ویژه از لحاظ عمق و کیفیت) می‌شود و استفاده بیشتر از اینترنت، با کاهش ارتباطات اجتماعی به خصوص از نوع ارتباطات نزدیک و صمیمی با اعضای خانواده، دوستان نزدیک و غیره همراه است. دسته سوم نیز بر پیامدهای مثبت و منفی فضای مجازی به صورت همزمان تأکید دارند. به عنوان مثال میلر^۲ (۱۹۹۵)، معتقد است ارتباطات الکترونیکی دامنه جدیدی از چارچوب‌های تعامل را با آداب و رسومی مخصوص وضع می‌کند که اگر چه آشکارا از تعاملات دنیای واقعی یا حضور فیزیکی فقیرترند، ولی فرصت‌ها و چالش‌های جدیدی را در راه ارائه و نمایاندن خود در دنیای کنونی فراهم می‌کنند. از نظر وی افراد در فضای مجازی، فرصت ارائه خود مطلوب و ایده‌آل خویشتن را تا حدودی در اختیار دارند، خودهایی که می‌توانند پشت صحنه فرد در دنیای واقعی یا ترکیبی از پشت صحنه و جلوی صحنه وی باشند (Kowsari, 2007). فضای مجازی در این معنا هم می‌تواند در حکم جلوی صحنه

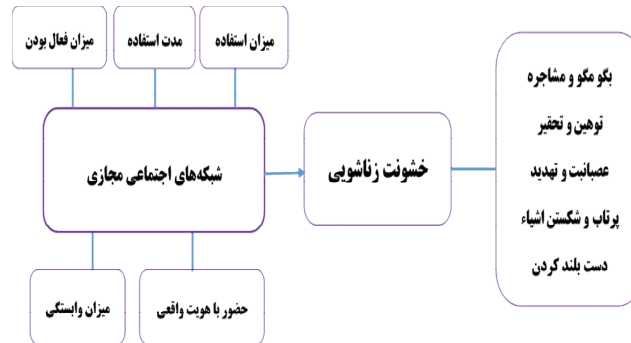
¹ Katz

² Miller

خود و دیگران و هم در حکم پشت صحنه آنان باشد. البته این امر که اینترنت و دیگر ابزارهای شبکه‌های اجتماعی باعث از بین رفتن یا ساخت مرزهای اجتماعی می‌شود خود مسئله‌ای است که به لحاظ تئوریک مناقشات زیادی در مورد آن وجود داشته است. در این راستا، هوستون که درباره اثرگذاری اینترنت بر فرهنگ، مفاهیم نیک‌خواهی فرهنگی، ستیزش فرهنگی و تخریب خلاق فرهنگی بحث و نظریه‌پردازی می‌کند، معتقد است که در نیک‌خواهی فرهنگی فضای مجازی می‌تواند تساهل نسبت به تفاوت‌های فرهنگی را در سطح جهان افزایش دهد. در واقع اینترنت به افراد اجازه می‌دهد با جوامع محلی دوردست ارتباط برقرار نماید و درباره اصول و تفاوت‌ها، با دیگر فرهنگ‌ها مذاکره نماید. اما در ستیزش فرهنگی فضای مجازی می‌تواند زمینه گفتگو را به سوی ایدئولوژی انقباضی و تنش فرهنگی بکشد و برخی فرهنگ‌ها به جای تساهل بیشتر، خود را بالاتر از دیگران پنداشته و درصدد القای فرهنگ خود بر دیگران باشند (Saroukhani & Rezaei, Ghadi, 2012: 59).

بر مبنای این نظریات چارچوب نظری این پژوهش بر این ایده استوار است که شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌طور همزمان هم می‌توانند باعث ایجاد آگاهی و مهارت در کاربران شده و هم باعث ایجاد اختلال در وظایف زناشویی شده و روابط بین زوجین را دچار چالش کند. لذا به نظر می‌رسد شبکه‌های اجتماعی مجازی به‌عنوان یکی از ابزارهای تکنولوژیک می‌تواند نقش دوسویه و متناقض در روابط بین زوجین به‌طور عام و خشونت خانگی به‌طور خاص داشته باشد: از یک سو به می‌تواند با انتقال تجارب دیگران به فرد و افزایش دانش و آگاهی در جامعه باعث کاهش خشونت خانگی و از سوی دیگر با فعال کردن شکاف‌های اجتماعی بر میزان خشونت خانگی بیفزاید. زیرا شبکه‌های اجتماعی مجازی خود دارای ابعاد مختلفی هستند که هر یک از این ابعاد می‌تواند اثرات متفاوتی بر کاربران داشته باشد. مهم‌ترین این ابعاد عبارت است از: میزان استفاده، مدت استفاده، حضور با هویت واقعی، میزان فعال بودن و میزان وابستگی و اعتیاد به شبکه‌های اجتماعی مجازی. به‌عنوان مثال بهره‌مندی از مطالب کانال‌ها برخی کانال‌ها که به مهارت‌های حل اختلاف می‌پردازد می‌تواند باعث ارتقاء مهارت و در مقابل استفاده و اختصاص خارج از عرف و بیش از حد از آن و وابستگی به این شبکه‌ها می‌تواند باعث اختلال در انجام وظایف روزمره شده

و مشکلاتی را در روابط بین زوجین ایجاد نماید. اگر چه نظریه‌پردازان خوش‌بین گمنامی را به‌عنوان عامل رهایی‌بخش در شبکه‌های اجتماعی می‌دانند ولی حضور گمنام و با هویت غیر واقعی در این شبکه‌ها می‌تواند باعث تقویت سوء ظن‌های زوجین نسبت به یکدیگر گردد و اعتماد بین زوجین را خدشه‌دار نماید. در شکل زیر الگوی مدل مفهومی آمده است. در این مدل بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی با پنج متغیر میزان استفاده، مدت استفاده، میزان فعال بودن، میزان وابستگی و حضور با هویت واقعی، حضور با هویت واقعی، میزان وابستگی به‌عنوان متغیر مستقل و خشونت زناشویی و بین زوجین با پنج مؤلفه به‌عنوان متغیر وابسته قرار دارد.



فرضیات پژوهش

همان‌گونه که قبلاً گفته شد نوع و کیفیت حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی عامل مهمی در تأثیرپذیری کاربران از آنها است. لذا نمی‌توان پذیرفت که هر نوع حضور و هر سطح از بهره‌مندی از می‌تواند تأثیر یکسان برجای بگذارد. به همین دلیل فرضیات پژوهش با این پیش‌فرض تدوین شده است.

- میزان خشونت تجربه شده در بین زنان و مردان تفاوت معنادار وجود دارد.
- میزان خشونت تجربه شده در بین گروه‌های سنی تفاوت معنادار وجود دارد.

- بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان خشونت زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد.
- بین مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان خشونت زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد.
- بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان خشونت زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد.
- بین حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان خشونت زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد.
- بین میزان فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان خشونت زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد.
- بین وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان خشونت زناشویی تفاوت معنادار وجود دارد.

روش‌شناسی پژوهش

روش تحقیق این پژوهش پیمایش است. جامعه آماری در این پژوهش افراد متأهل شهر تهران است. حجم نمونه از طریق فرمول کوکران محاسبه شد که عدد ۳۴۰ به دست آمد. روش نمونه‌گیری، روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای است و نمونه‌ها به صورت تصادفی نظام‌مند انتخاب شده‌اند. برای گردآوری داده از پرسشنامه محقق‌ساخته استفاده شده است. برای تأمین روایی ابزار تحقیق از روایی صوری و تحیل عامل تأییدی استفاده شده است؛ بدین صورت سؤالات با توجه به چارچوب نظری و الگوی مفهومی طرح تدوین و از صاحب‌نظران این حوزه نظرخواهی و نظرات ایشان در پرسشنامه اعمال شد. برای بررسی روایی سازه نیز تحلیل عاملی تأییدی نیز استفاده شد که نتایج به دست آمده، روایی شاخص‌ها را تأیید کرده است. برای سنجش پایایی نیز از آلفای کرونباخ و تحلیل عامل تأییدی استفاده شده است. ضرایب آلفای کرونباخ و تحلیل عامل تأییدی به شرح زیر است.

جدول ۲: روایی و پایایی متغیرهای تحقیق

مقدار واریانس تیین یافته	تحلیل عاملی (روایی)				پایایی		متغیر/ مؤلفه
	سطح معناداری	درجه آزادی	آزمون بارتلت	KMO	آلفای کرونباخ	تعداد گویه‌ها	
-	-	-	-	-	-	1	مدت استفاده
-	-	-	-	-	-	1	میزان استفاده
58.245	0.000	3	194.088	0.623	0.629	3	نحوه حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی
50.247	0.000	6	282.242	0.711	0.725	4	فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی
50.652	0.000	15	840.032	0.848	0.758	6	وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی
58.752	0.000	10	679.138	0.756	0.817	5	خشونت زناشویی

بر اساس نتایج جدول ۲ مقدار آلفای متغیر وابسته (خشونت زناشویی) برابر با ۰.۸۱۷ و متغیرهای مستقل یعنی نحوه حضور در شبکه‌های اجتماعی مجازی برابر ۰.۶۲۹، فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی برابر ۰.۷۲۵ و وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی برابر ۰.۷۵۸ است.

جدول ۳: تعریف مفهومی و عملیاتی متغیرها

متغیر وابسته/ مستقل	تعریف مفهومی	تعریف عملیاتی	گویه‌ها	
بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی	مدت زمانی است که فرد در شبکه‌های اجتماعی مجازی عضو شده است.	سال‌های عضویت فرد در شبکه‌های اجتماعی مجازی	چند سال است که عضو شبکه‌های اجتماعی مجازی آن استفاده می‌کنید؟	
	مدت زمانی که فرد در شبانه‌روز برای فعالیت در شبکه‌های اجتماعی مجازی صرف می‌کند.	ساعت حضور فرد در شبکه‌های اجتماعی در طول شبانه‌روز	در شبانه‌روز چند ساعت از شبکه‌های اجتماعی مجازی استفاده می‌کنید؟	
	نحوه و چگونگی حضور فرد در شبکه‌های اجتماعی	نحوه حضور فرد به صورت ناشناس یا با هویت واقعی	بعضاً سعی می‌کنم جنسیت خود را آشکار نکنم. بعضاً سعی می‌کنم خود را شخصیت دیگری معرفی کنم. همیشه با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی حضور پیدا می‌کنم.	
	کنش فرد در قبال پیام‌های دریافتی در شبکه‌های اجتماعی مجازی	موضع‌گیری و نحوه واکنش فرد به پیام‌های دریافتی در گروه‌ها و کانال-های شبکه‌های اجتماعی	مباحث و مطالب دیگران را می‌خوانم. مطالب مورد علاقه‌ام را برای دوستان و گروه‌هایی که عضو هستم فوراً می‌کنم. بعضاً مطلبی نوشته و در کانال‌ها قرار می‌دهم. در مباحث گروه‌ها شرکت کرده یا نظر خود را به صورت کامنت ابراز می‌کنم.	
	وابستگی به شبکه‌های	شدت فعالیت و حضور فرد	میزان وابستگی و دلبستگی فرد به	چک کردن یا چک نکردن شبکه‌های اجتماعی اصلاً برایم

گویه‌ها	تعریف عملیاتی	تعریف مفهومی	متغیر وابسته / مستقل
<p>اهمیت ندارد. بازدید و گشت و گذار در شبکه‌های اجتماعی، یکی از تفریحات من است. در صورت داشتن وقت اضافی به سراغ شبکه‌های اجتماعی می‌روم. اگر یک روز شبکه‌های اجتماعی خود را چک نکنم، کلافه می‌شوم. بیشتر از آنچه قصد دارم، برای شبکه‌های اجتماعی وقت می‌گذارم. دیگران از من به خاطر اینکه همیشه سرم در گوشی است شاکی هستند.</p>	<p>شبکه‌های اجتماعی مجازی و عدم توان کنترل زمان اختصاص به این شبکه‌ها</p>	<p>شبکه‌های اجتماعی مجازی</p>	اجتماعی مجازی
<p>در طول یکسال گذشته چقدر اتفاق افتاده که بین شما و همسران بگو مگو و مشاجره اتفاق بیفتد؟ همسران حرف‌هایی بزند که باعث تحقیر شما شود؟ همسران عصبانی شده و شما را تهدید کند؟ همسران، اشیایی به بسوی شما پرتاب کرده یا چیزی بشکنند؟ همسران به روی شما دست بلند کنند؟</p>	<p>بدرفتاری با همسر از قبیل ارباب و ترساندن، تهدید، تحقیر، و خشونت فیزیکی مانند سیلی زدن، هل دادن و ...</p>	<p>خشونت خانگی عبارت است از بدرفتاری جسمی، روانی برای منزوی کردن اجباری، تحقیر، محروم ساختن از حمایت، و تهدید به آسیب‌رسانی (Ezazi, 2007).</p>	خشونت زناشویی

یافته‌های پژوهش

ترکیب جنسی پاسخگویان حاکی از آن است که ۵۳.۸ درصد از پاسخگویان زن و ۴۶.۲ درصد مرد است. ۴.۵ درصد پاسخگویان جوان، ۵۹.۲ درصد پاسخگویان میانسال و ۳۶.۳ درصد پاسخگویان بزرگسال هستند. میانگین سنی پاسخگویان نیز ۴۱.۹ سال و انحراف معیار نیز برابر با ۱۲.۲۳ است. بررسی تعداد فرزندان پاسخگویان نشان می‌دهد که ۲۰ درصد افراد متأهل بدون فرزند، ۲۳.۸ درصد دارای یک فرزند، ۳۷.۴ درصد دارای دو فرزند، ۱۲.۹ درصد دارای سه فرزند و حدود ۶ درصد نیز چهار فرزند و بیشتر دارند. از بین پاسخگویان ۹۶.۳ درصد با همسر خود و ۳.۷ درصد نیز جدا از همسر خود زندگی می‌کنند. ۵۱.۵ درصد از پاسخگویان فارس، ۲۶.۲ درصد ترک، ۷.۴ درصد لر، ۴.۷ درصد کرد، ۴.۷ درصد گیلک و ۵.۵ درصد نیز از سایر اقوام ایرانی هستند. ۱۰.۶ درصد از پاسخگویان کارمند بخش دولتی، ۷.۴ درصد کارمند بخش خصوصی و ۳۵.۶ درصد نیز دارای شغل آزاد هستند. همچنین ۹.۴ درصد از پاسخگویان بازنشسته، ۲.۱ درصد دانشجو، ۳۲.۶ درصد خانه‌دار و ۱.۵ درصد نیز بیکار هستند. از نظر تحصیلات پاسخگویان نیز ۵۶.۲ درصد از پاسخگویان دیپلم و زیر دیپلم، ۳۴.۴ درصد کاردانی و کارشناسی، ۸.۵ درصد کارشناسی ارشد و ۰.۹ درصد نیز دکتری هستند. هزینه ماهانه خانوار ۴.۱ درصد از پاسخگویان زیر ۱ میلیون تومان، ۳۱.۵ درصد بین یک تا دو میلیون، ۳۱.۵ درصد بین دو تا سه میلیون، ۱۳.۸ درصد بین سه تا چهار میلیون، ۹.۴ درصد بین چهار تا پنج میلیون و ۹.۷ درصد نیز بیش از پنج میلیون تومان است. منزل مسکونی ۵۳.۵ درصد پاسخگویان ملکی، ۴۲.۹ درصد اجاره‌ای و ۰.۶ درصد سازمانی است. منزل مسکونی ۲.۹ درصد از پاسخگویان نیز رایگان بوده و در منزل خویشان و اقوام زندگی می‌کنند.

بررسی وضعیت شبکه‌های اجتماعی نشان می‌دهد که ۷۷.۴ درصد از پاسخگویان در شبکه‌های اجتماعی مجازی عضویت دارند و ۳۲.۶ درصد نیز عضو این شبکه‌ها نیستند. ۶.۵ درصد افراد عضو شبکه‌های اجتماعی کمتر از یکسال، ۱۰.۳ درصد بین یک تا دوسال، ۱۴.۴ درصد دو تا سه سال، ۱۹.۴ درصد بین سه تا چهار سال و ۱۶.۳ درصد بین چهار تا پنج سال و ۳۳.۱ درصد نیز بیشتر از پنج سال در شبکه‌های اجتماعی عضویت دارند. میانگین استفاده مدت زمان پاسخگویان در شبکه‌های اجتماعی برابر با ۴.۵ سال بوده و

انحراف معیار برابر با ۱.۹ سال است. ۱۸.۳ درصد پاسخگویان روزانه یک ساعت و کمتر، ۲۰.۲ درصد روزانه یک تا دو ساعت، ۲۲.۱ درصد روزانه دو تا سه ساعت و ۱۵.۲ درصد نیز روزانه سه تا چهار ساعت و ۲۴.۲ درصد نیز بیشتر از پنج ساعت وقت خود را طرف فعالیت در شبکه‌های اجتماعی می‌کنند. میانگین استفاده روزانه فعالیت پاسخگویان در شبکه‌های اجتماعی برابر با ۳.۴ ساعت است.

جدول ۴: وضعیت بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی

متغیرها و مؤلفه‌ها	مقادیر	کم	متوسط	زیاد	میانگین	انحراف معیار
فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی	فراوانی	61	187	15	693/48	151/2
	درصد معتبر	2/23	1/71	7/5		
حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی	فراوانی	1	105	157	333/83	904/14
	درصد معتبر	4	9/39	7/59		
وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی	فراوانی	111	140	12	272/4	847/18
	درصد معتبر	2/42	2/53	6/4		

بررسی میزان فعال بودن خود در شبکه‌های اجتماعی حاکی از آن است که افراد در شبکه‌های اجتماعی منفعل نبوده و نسبت به پیام‌های دریافتی واکنش نشان می‌دهند. این مسأله نشان می‌دهد که افراد تلاش می‌کنند نسبت به اتفاقات رخ داده واکنش نشان داده و نظر خود را در قبال آن رخداد بیان کنند. از سوی دیگر نزدیک به ۶۰ درصد پاسخگویان بیشتر با هویت واقعی خود در شبکه‌های ظاهر می‌شوند. هر چند بخش قابل توجهی نیز گهگاه با هویت ناشناس در این شبکه‌ها فعالیت می‌کنند.

جدول ۵: میزان خشونت زناشویی تجربه شده

دست بلند کردن	پرتاب و شکستن اشیاء		عصبانیت و تهدید		توهین و تحقیر		بگو مگو و مشاجره			
	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی		
87/4	297	81/2	276	58/8	200	42/1	143	8/5	29	اصلاً
2/9	10	7/6	26	15	51	19/1	65	27/1	92	خیلی کم
2/9	10	3/2	11	10	34	15/6	53	20/9	71	کم
2/1	7	3/5	12	7/9	27	11/2	38	25/3	86	تاحدی
2/6	9	2/4	8	5/3	18	6/8	23	10/3	35	زیاد
2/1	7	2/1	7	2/9	10	5/3	18	7/9	27	خیلی زیاد
359		444		947		274/1		256/2		میانگین
70/1		105/1		399/1		532/1		390/1		انحراف معیار

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین میانگین از مؤلفه‌های خشونت زناشویی تجربه شده بگو مگو و مشاجره است. میانگین مؤلفه‌های توهین و تحقیر، عصبانیت و تهدید، پرتاب و شکستن اشیاء و دست بلند کردن در رتبه‌های قرار دارند.

جدول ۶: خشونت زناشویی تجربه شده

Cumulative Percent	Valid Percent	Frequency	
6.5	6.5	22	اصلاً
80.0	73.5	250	کم
96.2	16.2	55	متوسط
100.0	3.8	13	زیاد
	100.0	340	کل

بررسی میزان کل خشونت زناشویی تجربه شده حاکی از آن است که خشونت زناشویی تجربه شده در بین ۶.۵ درصد پاسخگویان اصلاً، ۷۳.۵ درصد کم، ۱۶.۲ درصد متوسط و ۳.۸ درصد زیاد است.

آزمون فرضیات

برای آزمون فرضیات تحقیق از آزمون اختلاف میانگین، آزمون فی و ضریب همبستگی پیرسون، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر استفاده شده است. در ادامه ابتدا روابط بین متغیرهای مستقل با متغیر وابسته تحلیل و تفسیر شده و سپس تحلیل مسیر ارائه شده است.

جدول ۷: میزان خشونت زناشویی تجربه شده به تفکیک جنسیت

دست بلند کردن		پرتاب و شکستن اشیاء		عصبانیت و تهدید		توهین و تحقیر		بگو مگو و مشاجره		
								مردان	زنان	
مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	مردان	زنان	اصلاً
89.8%	85.2%	81.5%	80.9%	58.6%	59.0%	43.9%	40.4%	10.8%	6.6%	
1.3%	4.4%	8.3%	7.1%	14.0%	15.8%	19.1%	19.1%	27.4%	26.8%	خیلی کم
3.8%	2.2%	3.2%	3.3%	10.8%	9.3%	17.2%	14.2%	19.7%	21.9%	کم
1.3%	2.7%	4.5%	2.7%	7.6%	8.2%	10.2%	12.0%	27.4%	23.5%	تاحدی
2.5%	2.7%	1.9%	2.7%	5.7%	4.9%	4.5%	8.7%	9.6%	10.9%	زیاد
1.3%	2.7%	0.6%	3.3%	3.2%	2.7%	5.1%	5.5%	5.1%	10.4%	خیلی زیاد
0.29	0.42	0.39	0.49	0.97	0.92	1.27	1.46	2.13	2.37	میانگین
0.96	1.15	0.97	1.21	1.43	1.38	1.47	1.58	1.35	1.42	انحراف معیار

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بیشترین خشونت زناشویی تجربه شده در بین زنان و مردان متأهل بگو مگو و مشاجره است. میانگین ابعاد خشونت زناشویی در چهار بعد بگو مگو و مشاجره، توهین و تحقیر، پرتاب و شکستن اشیاء و دست بلند کردن در زنان بیشتر از مردان است. تنها بعد خشونت زناشویی که در مردان بیشتر از زنان تجربه شده است عصبانیت و تهدید است. در ادامه نتایج به دست آمده با تجمیع ابعاد خشونت زناشویی آمده است.

جدول ۸: خشونت زناشویی تجربه شده به تفکیک جنسیت

کل	زیاد	متوسط	کم	اصلاً	فراوانی	
183	7	33	135	8	فراوانی	زنان
100.0%	3.8%	18.0%	73.8%	4.4%	درصد	
157	6	22	115	14	فراوانی	مردان
100.0%	3.8%	14.0%	73.2%	8.9%	درصد	
340	13	55	250	22	فراوانی	کل
100.0%	3.8%	16.2%	73.5%	6.5%	درصد	
Sig=	0.315	Phi=	0.102			

بررسی خشونت زناشویی تجربه شده به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد که تعداد مردانی که در یکسال گذشته خشونت زناشویی را «اصلاً» تجربه نکرده‌اند بیشتر از زنان است. همچنین شدت خشونت تجربه شده در بین مردان نسبت به زنان نیز کمتر است.

جدول ۹: میانگین خشونت زناشویی تجربه شده به تفکیک جنسیت

Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	N	
0.37810	5.11479	5.6557	183	زنان
0.38437	4.81616	5.0573	157	مردان

بررسی میانگین خشونت زناشویی تجربه شده به تفکیک جنسیت نشان می‌دهد که خشونت زناشویی تجربه شده زنان برابر با ۵.۶۵ (از ۲۵) و خشونت تجربه شده مردان برابر با ۵.۰۵ (از ۲۵) است. مقدار بالای انحراف معیار در بین زنان نیز نشان می‌دهد که خشونت در بین زنان عمومیت بیشتری نسبت به مردان دارد.

جدول ۱۰: آزمون مقایسه میانگین خشونت زناشویی تجربه شده به تفکیک جنسیت

95 % Confidence Interval of the Difference	Std. Error Difference	Mean Difference	Sig. (2- tailed)	df	t	Sig.	F		
									Upper Bound
1.664	-0.467	0.541	0.598	0.270	338	1.105	0.278	1.183	با فرض برابری واریانس
1.659	-0.4626	0.539	0.598	0.268	335.061	1.110			با فرض نابرابری واریانس

نتایج آزمون لون برای بررسی برابری واریانس نشان می‌دهد که فرض برابری واریانس در بین دو گروه ($Sig=0.28$) تأیید شده است. بنابراین آزمون T با فرض برابری واریانسها برای مقایسه میانگینها مورد استفاده قرار می‌گیرد. نتایج آزمون مقایسه میانگینها نشان می‌دهد که اختلاف میانگین در بین دو گروه مردان و زنان ($Sig = 0.278$) رد می‌شود. بنابراین می‌توان گفت خشونت زناشویی تجربه شده در بین زنان و مردان تفاوت معنادار وجود ندارد و تفاوت میانگین بین دو گروه رد می‌شود.

جدول ۱۱: خشونت زناشویی تجربه شده به تفکیک گروه‌های سنی

کل	زیاد	متوسط	کم	اصلاً		
14	0	3	11	0	فراوانی	جوان
100.0%	0.0%	21.4%	78.6%	0.0%	درصد	
186	7	30	143	6	فراوانی	میان‌سال
100.0%	3.8%	16.1%	76.9%	3.2%	درصد	
114	6	17	81	10	فراوانی	بزرگ‌سال
100.0%	5.3%	14.9%	71.1%	8.8%	درصد	
314	13	50	235	16	فراوانی	کل
100.0%	4.1%	15.9%	74.8%	5.1%	درصد	
Sig=	0.350	Phi=	0.146			

یافته‌های بدست آمده در خصوص خشونت زناشویی تجربه شده به تفکیک گروه‌های سنی نشان می‌دهد که خشونت زناشویی تجربه شده از نظر سه گروه سنی جوان، میان‌سال و بزرگسال نسبتاً متفاوت است. خشونت شدید در بین جوانان پایین‌تر و در بین بزرگسالان بیشتر از سایر گروه‌های سنی است. از سوی دیگر نبود خشونت در بین زوجین بزرگسال بیشتر از سایر گروه‌های است.

جدول ۱۲: میانگین خشونت زناشویی تجربه شده به تفکیک گروه‌های سنی

Maximum	Minimum	95% Confidence Interval for Mean		Std. Error Mean	Std. Deviation	Mean	N	
		Upper Bound	Lower Bound					
15.00	1.00	7.9617	2.4668	1.27175	4.75845	5.2143	14	جوان
25.00	0.00	6.2030	4.7647	0.36453	4.97151	5.4839	186	میان‌سال
23.00	0.00	6.3414	4.4481	0.47783	5.10183	5.3947	114	بزرگسال
25.00	0.00	5.9941	4.8849	0.28188	4.99500	5.4395	314	کل

بررسی میانگین خشونت زناشویی تجربه شده به تفکیک گروه‌های سنی نشان می‌دهد که میانگین خشونت تجربه شده در بین زوج‌های جوان کمتر از بزرگسالان و میان‌سالان و بیشترین میزان خشونت نیز مربوط به زوجین میانسال است. در نتیجه خشونت زناشویی تجربه شده در بین میانسالان نسبت به گروه‌های دیگر عمومیت بیشتری دارد.

جدول ۱۳: آزمون تحلیل واریانس

Sig.	F	Mean Square	df	Sum of Squares	
0.974	0.026	0.652	2	1.305	بین گروه‌ها
		25.106	311	7808.046	داخل گروه‌ها
			313	7809.350	کل

نتایج جدول تحلیل واریانس نشان می‌دهد که اختلاف میانگین مشاهده شده در جامعه آماری معنادار ($Sig = 0.974$) نیست. بنابراین می‌توان گفت بین خشونت زناشویی تجربه شده پاسخگویان و گروه سنی آنها رابطه وجود ندارد و اختلاف میانگین مشاهده شده تصادفی است. این نشان‌دهنده و تأییدکننده فرهنگی بودن خشونت زناشویی در جامعه است. چرا که علیرغم وجود تفاوت‌هایی در بین گروه‌های سنی، این پدیده از فرهنگ فراگیر تبعیت می‌کند. هر چند پایین بودن شدت خشونت در بین جوانان نسبت به سایر گروه‌های سنی نشان از تحولاتی دارد که نتایج آن در آینده می‌تواند به صورت معنادار بروز پیدا کند. نکته دیگر بالا بودن شدت خشونت در بین گروه‌های میانسال است که این مسأله می‌تواند با وظایف شغلی و استرس کاری مرتبط باشد.

جدول ۱۴: رابطه بین خشونت زناشویی و بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی

<i>Sig.</i>	<i>Correlation</i>	<i>N</i>	<i>Dependent Variable</i>	<i>Independent Variables</i>
0.019	-0.145*	263	خشونت زناشویی	مدت استفاده
0.133	0.093	263		میزان استفاده
0.867	-0.010	263		میزان فعال بودن
0.000	-0.219**	263		حضور با هویت واقعی
0.039	0.128*	263		میزان وابستگی

نتایج به دست آمده از رابطه خشونت زناشویی تجربه شده با بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجازی نشان می‌دهد که بین خشونت زناشویی با متغیرهای مدت فعالیت، حضور با هویت واقعی و میزان وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه معنی‌دار ($P < 0.05$) وجود دارد. بررسی جهت رابطه نیز نشان می‌دهد که جهت رابطه مدت استفاده و حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی با خشونت زناشویی تجربه شده معکوس و جهت رابطه بین میزان وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی و خشونت زناشویی مستقیم و مثبت است. یعنی هر چه مدت استفاده و حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد میزان خشونت زناشویی کاهش می‌یابد و هر چه وابستگی به شبکه‌های اجتماعی بیشتر می‌شود خشونت زناشویی نیز افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان

گفت هر چه مدت فعالیت و حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی افزایش می‌یابد، خشونت زناشویی کاهش و هر چه وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی افزایش پیدا می‌کند خشونت زناشویی افزایش می‌یابد. بین میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و میزان فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز رابطه معناداری ($P > 0.05$) مشاهده نشد. همان‌گونه مشاهده می‌شود کیفیت و نوع بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی اثرات متفاوتی بر خشونت زناشویی دارد. در حالی که رابطه مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی و حضور با هویت واقعی بر خشونت زناشویی منفی است متغیر میزان استفاده رابطه معناداری با خشونت زناشویی ندارد. در واقع این مؤید تأثیر بلندمدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی بر خشونت زناشویی است.

برای بررسی تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر خشونت زناشویی تجربه شده از تحلیل رگرسیون با روش هم‌زمان استفاده شد. نتایج حاصله به شرح زیر است.

جدول ۱۵: ارزیابی مدل برای انجام تحلیل رگرسیونی

Sig.	F	Mean Square	df	Sum of Squares	
0.000	4.813	114.235	5	571.177	Regression
		23.736	257	6100.070	Residual
			262	6671.247	Total

با توجه به مقدار آماره F که برابر با ۴.۸۱۳ است و سطح معناداری ($P < 0.05$) می‌توان نتیجه گرفت که مدل برای انجام تحلیل رگرسیونی مناسب است. معنی‌دار بودن F به این معنی است که بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته رابطه خطی مستقیم وجود دارد.

جدول ۱۶: خلاصه مدل رگرسیون تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر خشونت زناشویی تجربه

شده

Durbin - Watson	Std. Error of the Estimate	Adjusted R Square	R Square	R	Model
1.960	4.87193	0.068	0.086	0.293	1

همان‌گونه که جدول فوق نشان می‌دهد شدت همبستگی متغیرهای وارد شده در رگرسیون برابر با ۰.۲۹۳ است که از نظر شدت نسبتاً ضعیف است. ضریب تعیین که نشانگر میزان تغییرات متغیر وابسته توسط متغیرهای باقی‌مانده در مدل نهایی است برابر با ۰.۰۶۸ است و بقیه تغییرات متغیر وابسته ناشی از متغیرهای دیگر است. بنابراین می‌توان گفت ۶.۸ درصد از واریانس متغیر خشونت زناشویی تجربه شده توسط شبکه‌های اجتماعی مجازی تبیین شده است.

جدول ۱۷: ضرایب غیر استاندارد و استاندارد تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجازی بر خشونت زناشویی

تجربه شده

Sig.	t	Standardized	Unstandardized		Model
		Coefficients	Std. Error	B	
		Beta			
0.000	4.695		2.880	13.523	(مقدار ثابت)
0.007	-2.706	0.171-	0.167	-0.452	مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی
0.408	0.828	0.062	0.183	0.152	میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی
0.336	-0.964	-0.064	0.103	-0.100	میزان فعال بودن در شبکه‌های اجتماعی مجازی
0.003	-3.046	-0.189	0.175	-0.532	حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی
0.185	1.328	0.103	0.087	0.115	میزان وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی
متغیر وابسته: خشونت زناشویی تجربه شده					

از بین متغیرهای مستقل که در تحلیل رگرسیونی وارد شده است متغیرهای مدت استفاده و حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی رابطه معناداری با خشونت زناشویی دارند. ضریب تأثیر متغیر مدت استفاده برابر ۰.۱۷۱- و حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجازی برابر با ۰.۱۸۹- است. همانطور که ملاحظه می‌شود رابطه بین وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی و خشونت زناشویی کاذب بوده و بعد از ورود به دستگاه رگرسیون اثر آن از بین رفت.

بحث و نتیجه‌گیری

پیش‌فرض کلی و برداشت بسیاری از مفهوم خشونت زناشویی، خشونت علیه زنان است و کمتر محقق و پژوهشگری به‌ویژه در ایران بر موضوع خشونت علیه مردان توجه نشان داده است. در حالی که نتایج برخی از تحقیقات و برخی شواهد در شبکه‌های اجتماعی مجازی نشان از وجود خشونت علیه مردان حکایت دارد. به همین خاطر این پژوهش دو هدف میزان خشونت زناشویی در بین زنان و مردان و تاثیر شبکه‌های اجتماعی بر آن دنبال کرده است. برای جمع‌آوری اطلاعات و آزمون فرضیات نیز از روش پیمایش استفاده شد. بر اساس نتایج به دست آمده تنها ۶.۵ درصد از زوج‌های شهر تهران در یک سال گذشته خشونت زناشویی را تجربه نکرده‌اند. خشونت زناشویی تجربه شده ۷۳.۵ درصد نیز کم و ۲۰ درصد متوسط و زیاد است. اگر چه میانگین خشونت تجربه شده توسط زنان بیشتر از مردان است ولی تفاوت معناداری بین زنان و مردان در تجربه خشونت وجود ندارد. این یافته ناقض تصور عمومی درباره خشونت زناشویی است که تنها زنان را قربانی خشونت می‌داند. ولی نتایج این پژوهش مؤید وجود خشونت قابل توجه علیه مردان است. خشونت‌هایی که مقدار و میزان آن تفاوت معناداری با خشونت علیه زنان ندارد. این نتیجه با نتایج پژوهش اشتروس و همکاران (۱۹۹۹)، و ویلیام و همکاران (۲۰۱۱)، در خصوص نزدیک بودن خشونت زناشویی بر علیه دو جنس همخوانی دارد. در خصوص وجود خشونت در بین زوجین این پژوهش با پژوهش‌های درخشان‌پور و همکاران (۲۰۱۴)، کومار (۲۰۱۲)، دریژبر و همکاران (۲۰۱۳)، توری‌او و همکاران (۲۰۱۵) در خصوص وجود خشونت علیه مردان همخوانی دارد. نتیجه این پژوهش با نتایج سایر پژوهش‌های داخلی چون پژوهش مجیدی (۲۰۱۳)، رضایی چراتی (۲۰۱۴)، قاضی‌زاده و همکاران (۲۰۱۸) و خدادوست (۲۰۱۹) که خشونت علیه مردان در خانواده را بررسی کرده‌اند همخوانی دارد. در پژوهش رضایی چراتی (۲۰۱۴)، میزان خشونت تجربه شده در ۳.۱ درصد از مردان بالا، ۱۷.۷ درصد متوسط و ۶۸.۸ درصد پایین است. با توجه اینکه به نتایج این پژوهش که خشونت زناشویی تجربه شده در بین ۶.۵ درصد پاسخگویان اصلاً، ۷۳.۵ درصد کم، ۱۶.۲ درصد متوسط و ۳.۸ درصد زیاد است می‌توان گفت میزان خشونت تجربه شده در شهر تهران پایین‌تر از شهر بابل در سال ۲۰۱۴ است. این مسأله می‌تواند ناشی از تفاوت

فرهنگی و شرایط اجتماعی و اقتصادی دو شهر باشد. بر اساس نتایج خدادوست (۲۰۱۹)، خشونت کلامی بیشتر از سایر انواع خشونت بر علیه مردان شایع است. در این پژوهش نیز میانگین بعد بگو و مگو و مشاجره خشونت زناشویی بیشتر از سایر ابعاد خشونت است. نتایج به دست آمده با نتایج پژوهش کومار (۲۰۱۲)، در هند در خصوص افزایش خشونت زناشویی بر علیه مردان همخوانی دارد. ایشان پیش‌بینی کرده‌اند با توجه به تغییر نقش‌های جنسیتی در آینده خشونت علیه مردان افزایش پیدا خواهد کرد. نتیجه‌ای که با نتایج این پژوهش همسو است. اگر چه در گذشته گمان بر این بود که خشونت علیه زنان، خشونت رایج در جامعه است ولی با توجه به یافته‌های این پژوهش اگر چه کماکان خشونت علیه زنان بیشتر از مردان است ولی بالا بودن میزان خشونت زناشویی تجربه شده توسط زنان که با خشونت زناشویی تجربه شده توسط مردان تفاوت معناداری ندارد نشان می‌دهد که میزان خشونت تجربه شده زنان و مردان نزدیک به هم و مشابه است. این مسأله را می‌توان به‌عنوان نشانه‌ای از کاهش خشونت علیه زنان در جامعه تبیین کرد؛ ولی با توجه به بالا بودن میزان خشونت تجربه شده و نزدیکی میزان خشونت در سالهای گذشته نمی‌تواند صادق باشد. بنابراین باید علت را در افزایش میزان خشونت علیه مردان در جامعه و یا افزایش قدرت خوداظهاری مردان جستجو کرد که به نظر استدلال دوم می‌تواند دقیق‌تر باشد. ولی آنچه اهمیت دارد این است که تحولاتی در روابط زوجین در شکل‌گیری است که زنان دیگر صرفاً در مقام قربانی نیستند بلکه در نقش عاملان خشونت نیز قرار دارند. در این تحول عوامل مختلفی می‌تواند دخیل باشد که از آن جمله می‌توان به عواملی چون افزایش آگاهی، افزایش قدرت اقتصادی زنان و استقلال مالی، افزایش تحصیلات زنان و ... اشاره کرد. هر چند این ادعاها نیازمند پژوهش و تحقیق مستقلی است. همچنین بر اساس نتایج پژوهش خشونت زناشویی در بین میانسالان بیشتر از زوج‌های جوان و بزرگسالان است؛ ولی این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست و بین زنان و مردان و همچنین گروه‌های سنی مختلف از نظر خشونت زناشویی تفاوت معناداری وجود ندارد. علت پایین بودن شدت خشونت در بین جوانان و بزرگسالان نسبت به میانسالان می‌تواند ریشه در مسائلی استرس، فشار کاری و مسئولیت در بین میانسالان و همچنین تحولات فرهنگی جستجو کرد.

هدف دیگری که در این پژوهش دنبال شد تأثیر شبکه‌های اجتماعی مجزای بر خشونت زناشویی بود. نتایج نشان داد که میزان نفوذ شبکه‌های اجتماعی در بین افراد متأهل شهر نسبتاً بالا بوده و علاوه بر اینکه اکثر افراد از این ابزار ارتباطی استفاده می‌کنند روزانه وقت قابل توجهی نیز بدان اختصاص می‌دهند. نتایج به دست آمده از رابطه خشونت زناشویی با بهره‌مندی از شبکه‌های اجتماعی مجزای نشان می‌دهد که بین خشونت زناشویی با متغیرهای مدت عضویت در شبکه‌های اجتماعی و حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجزای رابطه معکوس و منفی و بین میزان وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجزای و خشونت زناشویی رابطه مستقیم و مثبت است. یعنی هر چه مدت عضویت و حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی افزایش می‌یابد میزان خشونت زناشویی کاهش می‌یابد و هر چه وابستگی به شبکه‌های اجتماعی بیشتر می‌شود خشونت زناشویی افزایش می‌یابد. این مسأله خودگویی نکات بسیار مهمی است: اینکه حضور با هویت واقعی در شبکه‌های اجتماعی مجزای نشانگر این است که افراد کمتر احتمال دارد درگیر حاشیه گردند؛ چرا که حضور دیگر آشنایان به‌عنوان یک عامل کنترلگر عمل می‌کند. در حالی که وقتی افراد به صورت گمنام در شبکه‌های اجتماعی مجزای حضور دارند این عامل کنترل حذف می‌شود. مدت عضویت نیز بیانگر استفاده بلندمدت از این شبکه‌ها توسط کاربران دارد. این یافته با رویکرد کاتز^۱ (۱۹۹۸)، که معتقد است فضای مجزای «بر پایه همان قواعد و قراردادهای اجتماعی دنیای واقعی شکل گرفته و از طریق منابع قدرت اقتصادی و سیاسی واقعی کنترل و اداره می‌شود» همخوانی دارد. زیرا اگر چه گمنامی باعث بی‌اثر شدن کنترل اجتماعی در فضای مجزای و یا رهایی موردنظر تورکل (۲۰۱۱)، باشد ولی در مقابل باعث ایجاد چالش در روابط بین زوجین می‌شود. روابطی که پایه و اساس آن همان قواعد و هنجارهای دنیای واقعی است.

تحلیل رگرسیون نشان داد که ابعاد مختلف شبکه‌های اجتماعی مجزای در مجموع ۶۸ درصد از تغییرات خشونت زناشویی را تبیین می‌کند. با توجه به اینکه شبکه‌های اجتماعی مجزای نقش مهمی در افزایش آگاهی در کاربران دارند و یکی از ارزش‌های تبلیغ

^۱ Katz

شده در این رسانه‌ها برابری جنسیتی و نشان دادن مظاهر ظلم بر زنان و تبعیض علیه زنان است لذا استفاده دراز مدت از این شبکه‌ها توانسته است بر ذهنیت کاربران اعم از زن و مرد تأثیر گذاشته و باعث کاهش خشونت در بین زوجین شود. با وجود این اندازه تأثیر مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی ($\beta = -0.171$) کمتر از حضور با هویت واقعی ($\beta = -0.189$) در شبکه‌های اجتماعی مجازی است. این یافته بیانگر این است که اعتماد زوجین و شفافیت بین آنها بیشتر از سایر عوامل بر خشونت بین آنها اثرگذار است. علی‌رغم اینکه در بسیاری از پژوهش‌ها ادعا شده است که شبکه‌های اجتماعی مجازی باعث تزلزل و سست شدن بنیان خانواده‌ها شده است ولی یافته‌های این پژوهش نه تنها این مسأله را تأیید نمی‌کند بلکه کاملاً با یافته‌های این پژوهش‌ها در تضاد است. هر چند با توجه به وجود رابطه مثبت بین وابستگی به شبکه‌های اجتماعی مجازی و خشونت زناشویی باید گفت که نوع استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و بهره‌مندی از آن است که می‌تواند باعث تحکیم روابط بین زوجین شده یا باعث درگیری و افزایش گردد. طبیعی است وقتی کسی به صورت ناشناس در شبکه‌های اجتماعی حضور پیدا می‌کند و یا دچار اعتیاد و استفاده بیش از حد از این شبکه‌ها است باعث تداخل در انجام وظایف زناشویی و رفتارهای خلاف عرف شده و اعتماد زوج خود را از دست بدهد و در نتیجه به تعارض در روابط با زوج یا زوجه منجر خواهد شد. نتیجه اینکه شبکه‌های اجتماعی مجازی در صورت استفاده درست می‌تواند باعث افزایش آگاهی در زوجین شده و به بهبود روابط آنها کمک کند ولی استفاده نامناسب از آن می‌تواند باعث اختلال در روابط زوجین را به دنبال داشته باشد.

با توجه به نتایج به دست آمده خشونت خانگی هم شامل خشونت علیه زنان و هم خشونت علیه مردان در خانواده‌های ایرانی وجود دارد. ولی با توجه به عدم توجه و اهمیت ندادن به خشونت علیه مردان که ناشی از ویژگی‌های فرهنگی جامعه ما است این مسأله چندان مورد توجه متولیان مرتبط با ثبت خشونت‌های خانگی قرار نگرفته است. برای شناخت دقیق‌تر موضوع در آینده و آگاهی از میزان خشونت علیه مردان توصیه می‌شود مراجع مربوطه نسبت به گزارش خشونت علیه مردان، ثبت خشونت آن نیز مورد توجه قرار گیرد. نتایج نشان داد که دو متغیر مدت استفاده از شبکه‌های اجتماعی مجازی و حضور با هویت واقعی تأثیر مثبت بر کاهش خشونت زناشویی و متغیر میزان وابستگی منفی بر

خشونت زناشویی داشته است. بر این اساس توصیه می‌شود متولیان فرهنگی و نهادهای مرتبط آموزش‌هایی برای استفاده کنترل شده و بهینه از شبکه‌های اجتماعی مجازی به خانواده‌ها و کاربران ارائه کنند و در کنار آن از ظرفیت این شبکه‌ها، برای انتقال آموزش‌های لازم و ارائه خدمات مشاوره‌ای برای مدیریت خشم و بهبود تعاملات بین فردی استفاده شود.

References:

Aghabigloui, A; Aghajani, K. (2000). Investigating the phenomenon of spousal abuse in Tehran. Proceedings of the First National Conference on Social Injuries in Iran, June 11, 2000. Volume 3, Tehran: Agah Publications. (Persian).

American Psychological Association. (1996). "Violence and the Family: Report of the American Psychological Association Presidential Task Force on Violence and the Family", P. 10. *Annals of Epidemiology*, 12(7): 525.

Areshtanab, H. N., Vaseai, F., Ebrahimi, H., Bostanabad, M. A., & Hosseinzadeh, M. (2021). Domestic Violence in Married Couples: From the Viewpoint of Women. Preprint from Research Square, 18 Jun 2021.

Atteraya, M. S., Gnawali, S., & Song, I. H. (2015). "Factors associated with intimate partner violence against married women in Nepal", *Journal of interpersonal violence*, 30(7), 1226-1246.

Bandura, Albert (1977). *Social Learning Theory*, Englewood Cliffs, NJ: Prentice Hall.

Bani Fatemeh, H; Abbaszadeh, M; Alizadeh Aqdam, MB; Mohammadpour. N. (2018). "Stress and physical violence of men against women: A qualitative study", *Women's Quarterly in Development and Politics*. Volume 16. Number 4, Winter. Pp. 602-581. (Persian).

Berkowitz, L. (1970). The Contagion of Violence: An S-R Mediation Analysis of Some Effects of Observed Aggression. In W. J. Arnold and M. M. Page (Eds.) *Nebraska Symposium on Motivation*, 1970. Lincoln, Neb.: University of Nebraska Press.

Bowman, C. G. (2003). "Theories of domestic violence in the African context", *American University Journal of Gender, Social Policy & the Law*, 11(2), 21.

Chalabi, M. (1996). *Sociology of Order*, Tehran: Ney Publishing. (Persian).

Danesh, P; Sherbatian, MH; Tawafi, P. (2017). "Sociological analysis of domestic violence against women and its relationship with the feeling of security at home (Case study of women aged 18-54 in Miyaneh)", Strategic Research in Security and Social Order, Year 6, Issue 61, Issue 1, Spring. Pp. 72-47. (Persian).

Davar, H; Zaharakar, K; Kiamanesh, A; Mohsenzadeh, F. (2018). "Conceptual model of the underlying factors of women's domestic violence against men from the perspective of men", Journal of Psychiatric Nursing. Volume 6. Issue 4. Pp. 35-48. (Persian).

Derakhshanpour, F; Mahboobi, H R; Keshavarz, S. (2014). "Prevalence of domestic violence against women in Bandar Abbas", Scientific Quarterly of Gorgan University of Medical Sciences, Volume 16. No 1. pp. 131-126. (Persian).

Drijber, B. C., Reijnders, U. J., & Ceelen, M. (2013). "Male victims of domestic violence", Journal of Family Violence, 28(2), 173-178.

Ezazi, Sh. (2001). Sociology of the family with emphasis on the role, structure and function of the family in the contemporary era, Tehran: Roshangaran Publications and Women's Studies. (Persian).

Ezazi, Sh. (2002). Domestic violence or battered women. Tehran: Sali Publishing. (Persian).

Firoozjaeian, A A; Rezaei Cherati, Z. (2014). "Sociological analysis of domestic violence with emphasis on violence against men", Social Development Quarterly (Former Human Development), Volume 9. Issue 2. Winter. Pages 130-105. (Persian).

Giddens, A. (1997). Sociology, translated by Manouchehr Sabouri. Tehran: Ney. (Persian).

Hampton, R. L. (1999). Family violence: Prevention and treatment (Vol. 1). Sage.

Hampton, R; Gullotta, T. (2009). Domestic Violence: Prevention and Treatment, translated by Davood Karbalaei and Mohammad Migouni, Tehran: Afarinesh. (Persian).

- Hemmati, R. (2004). "Investigating the Factors Affecting Violence Against Men Against Women: A Case Study of Tehran Families", *Journal of Social Welfare Quarterly*, Year 3, Volume 3, Number 12. Pages 256-227. (Persian).
- Homans, G. C. (1958). "Social behavior as exchange", *American journal of sociology*, 63(6), 597-606.
- Kalami, F. (1999). Investigating the effective factors in female abuse in 100 cases referred to Tabriz forensic medicine, doctoral dissertation of Tabriz University of Medical Sciences. Supervisor: Ahad Razi. (Persian).
- Kawthari, M. (2007). The cultural world of Iranian users (research report). Tehran: Research Institute of Culture, Arts and Communications. (Persian).
- Kelmendi, K. (2015). "Domestic violence against women in Kosovo: A qualitative study of women's experiences", *Journal of interpersonal violence*, 30(4), 680-702.
- Khodadost, A. (2019). The experience of abusive men from their spouses and how to deal with it. Master Thesis. Supervisor: Mansour Fathi. Tehran: Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University. (Persian).
- Khodadost, A. (2019). The experience of abusive men from their spouses and how to deal with it. Master Thesis in Sociology. Supervisor: Mansour Fathi. Faculty of Social Sciences, Allameh Tabatabai University. (Persian).
- Kolbe, V., & Büttner, A. (2020). "Domestic Violence Against Men-Prevalence and Risk Factors", *Deutsches Arzteblatt International*, 117 (31-32), 534.
- Krug, E. G., Mercy, J. A., Dahlberg, L. L., & Zwi, A. B. (2002). "The world report on violence and health. *The lancet*", 360 (9339), 1083-1088.
- Kumar, A. (2012). "Domestic violence against men in India: A perspective", *Journal of Human Behavior in the Social Environment*, 22(3), 290-296.
- Majidi, Z. (2013). Sociological study of the phenomenon of domestic violence against men and some related factors from the

perspective of married men and women in Arak in 1991. Master Thesis. Supervisor: Parvaneh Danesh. Payame Noor University. (Persian).

Mehdizadeh, Sh; Anbarin, Z. (2009). "Investigating the relationship between the amount and manner of using the Internet and the cultural identity of young people", Quarterly Journal of the Iranian Association for Cultural Studies and Communication. No. 17. Winter. Pp. 1-28. (Persian).

Miller, H. (1995). *The Presentation of Self in the Electronic Life*, Nottingham: Trent University.

Mohammadi, F; Mirzaei, R. (2012). "Investigating the social factors affecting violence against women (Case study: Ravansar city)", Iranian Social Studies Quarterly. Year 6. No.1 (consecutive 17). Spring. Pp. 29-1. (Persian).

Nawabi Nejad, G. (2015). Domestic Violence Conference. Iranian Students News Agency. Retrieved February 22, 2017. Site Address: <http://isna.ir/fa/print/94091710274>.

Nazparvar, B. (2002). "Arazi's wife. Women's Research Quarterly", Center for Women's Studies and Research. No. 3. Pp. 45-66. (Persian).

Qasemi, M; Sedaghatifard, M; Pirkhaefi, A (2014). "Social factors affecting violence against women in the family with emphasis on the role of the authoritarian system in the family", Iranian Journal of Sociological Studies. No. 12. Winter. Pp. 73-59. (Persian).

Rahimkhani, M; Hajidehabadi, M A. (2018). *The Impact of Cyberspace on Domestic Violence*. The Second International Conference on Jurisprudence and Law, Advocacy and Social Sciences. Hamedan. <https://civilica.com/doc/770285>. (Persian).

Roy, M. (1998). *Beaten women; Psychology of Domestic Violence*, translated by Mehdi Qaracheh Daghi, Tehran: Scientific Publications. (Persian).

Roy, M. (Ed.). (1977). *Battered women: A psychosociological study of domestic violence*. New York, NY: Van Nostrand Reinhold Company.

- Sadeghi Fasaei, S. (2010). "Domestic violence and women's strategy in dealing with it (qualitative study), Journal of Iranian Social Issues, Vol. 1, pp. 142-107. (Persian).
- Salehi, I; Salehi, S. (2005). "Investigating the factors affecting men's violence against women in Mazandaran province", Journal of Educational Sciences and Psychology. No. 2. pp. 98-77.
- Sarukhani, B. (2014). Introduction to Family Sociology. Second Edition. Tehran: Soroush Publishing. (Persian).
- Sarukhani, B; Rezaee Qadi, Kh. (2012). "Internet and national identity among users", Journal of Communication Culture, Volume 2, Number 3, pp. 70-51. (Persian).
- Thureau, S., Le Blanc-Louvry, I., Gricourt, C., & Proust, B. (2015). "Conjugal violence: a comparison of violence against men by women and women by men", Journal of forensic and legal medicine, 31, 42-46.
- Turkle, S. (2011). Life on the Screen. Simon and Schuster.
- UNIRSD (2016). Transformations to Equity and Sustainability: Unirsd Strategy 2016-2020.
- VanderEnde, K. E., Sibley, L. M., Cheong, Y. F., Naved, R. T., & Yount, K. M. (2015). "Community economic status and intimate partner violence against women in Bangladesh: compositional or contextual effects?", Violence against women, 21(6), 679-699.
- Williams, L., Edwards, T. M., Patterson, J., & Chamow, L. (2011). Essential assessment skills for couple and family therapists. Guilford Press.
- Yazdkhasti, B; Adlipour, S; Keykhaei, E. (2013). "Public domain and chat in cyberspace of social networks", Communication Culture Studies, Vol. 4. No. 21. pp. 81-101. (Persian).

A Sociological Study of Marital Violence and the Impact of Online Social Networks on it (Case Study: Marital Couples of Tehran)

Hossein Heidari (Ph.D)¹

DOI: 10.22055/QJSD.2022.32693.2176

Abstract:

Domestic violence is one of the most important causes of family instability and has destructive effects on the emotional atmosphere of the family, children and society. The continuation of violent patterns and behaviors in the family can spread violence to social relations. Meanwhile, the emergence of virtual social networks has had a dual effect on this social phenomenon. The purpose of this study is to investigate domestic violence and the impact of virtual social networks on it. The research method is survey and the statistical population includes married people in Tehran. The sample size is equal to 340 couples in Tehran, which is determined by Cochran's formula. The sampling method is a multi-stage cluster sampling method and the samples of each cluster are systematically selected randomly. Finding shows that 93.5% of Tehranian couples have experienced some level of domestic violence in the past year. Although the intensity of violence experienced was higher among women than men and among middle-aged couples than young people and adults. There was a statistically significant difference between the violence experienced by men and women ($p = 0.28$). There wasn't significant difference between among age groups ($p = 0.974$). According to the research findings, there is a significant relationship between marital violence and duration of use ($r = -0.145$), presence with real identity ($r = -0.219$) and the degree of dependence on virtual social networks ($r = 0.128$). Regression analysis showed that the use of virtual social networks explains 6.8% of the changes in violence between couples. Among the dimensions of virtual social networks, the variables of usage time ($\beta = -0.171$) and presence with real identity in virtual social networks ($\beta = -0.189$) have a negative impact on marital violence and reduce marital violence.

Key Concepts: Marital Violence, Gender, Online Social Networks

¹ Assistant Professor of Sociology, Institute of Humanities and Social Studies, University Jihad, Tehran, Iran, hs.heidari@gmail.com

